

نقش الگوها در تربیت



دکتر

احمد بهشتی

آخرین قسمت

پایگاه کودک

در آموزش

و پرورش اسلامی

سمینار

آموزش و پرورش

اسلامی در شیراز

و محسوس در کار نباشد. از اداء و وظیفه شانه خالی می کند. تکامل جامعه انسانی به این است که افراد در راه انجام وظیفه نه از سرزنش ملامت کنندگان بیم داشته باشد و نه از نبودن تشویق و تطمیع ناراحت باشد.

هر کسی باید خودش مشوق خود و ملامتگر و تشویق کننده خود باشد، تنها در این صورت است که میتواند - حتی در جامعه ناصالح و ناسالم - به راه خود ادامه دهد و به قله پیروزی برسد البته جامعه نیز به نوبه خود وظیفه ای دارد که باید از تشویق خوبان و ملامت بدان، خودداری نکند. در این میان مربی شایسته کسی است که از یک طرف به طفل، روحیه مستقل میدهد و از طرف دیگر سعی میکند که جامعه را هم به وظیفه اش آگاه گرداند.

نقش الگوها

صرف نظر از اینکه هر کسی موظف است در محیط زندگی خود با زشتی ها، مبارزه و به

لطفاً ورق بزنید

میان انسان و حیوان، همانطوری که از نظر نسیبه فرق است، از نظر تشویق هم فرق است. تشویق حیوانات محدود به تشویق های غذایی و گوارشی و... می شود ولی انسان هم تشویق مادی می شناسد و هم تشویق معنوی، هم بدنی و هم روحی، هم عاطفی هم عقلی.

مربی باید بداند که تشویق و ترغیب، یعنی ایجاد شوق و رغبت. اما ایجاد شوق و رغبت بسوی هدفی بهر حال باید در راه تقویت تشخیص، او را یاری کرد.

تشویق طفل، از راه تمجید و ستایش و جایزه و پاداش ممکن است، اینها باید خدی و مرزی معقول و حساب شده داشته باشند. مربی نمیتواند بیجا و نامعقول، ستایشگر و دهنده پاداش و مظهر تشویق باشد. چنین روشی در این کار موجب شکست، ناکامی است و طفل را به طمع می کشاند و علاوه بر اینها، ارزش حقیقی کار و خدمت و انجام وظیفه را از نظر او دور می سازد تا آنجا که اگر پاداشی نقد و عاجل و تشویقی فوری

توصیه های تربیتی اسلام...

نیکی ها سفارش کند - وبه اصطلاح امر به معروف ونهی ازمنکر کند - یک وظیفه عمده ترهم دارد وان اینکه با رفتار وخلق و خوی خویش در محیط اجتماع، یک الگو باشد زیرا این الگوها هستند که میتوانند بیشترین وکاملترین تاثیر را در مردم داشته باشند. گفتار، نیاز به پشتوانه دارد، گفتاری که از پشتوانه گرهار و پندار نیک، برخوردار نباشد، در دل شرنده، بی اثر است. به همین جهت امیر مومنان فرمود:

«من نصب نفسه للناس اماما فله ان يبيد تعليم ناسه قبل تعليم غيره وليكن تاديبه بسيرته قبل تاديبه بلسانه ومعلم نفسه ومؤدبها حق بالاجلال من معلم الناس ومؤدبهم» (وسائل الشيعه ج ۱۱ ص ۲۱۹)

هرکس خود را الگو و پيشروي مردم قرار ميدهد، بايد قبل از آموزش ديگران به آموزش خود بپردازد و پيش از آنکه به زبان آموزش دهد با سيرت و رفتار آموزش دهد. آنکه به آموزش و پرورش خويش پدازد بيشتر سزاوار تجليل است تا آنکه به آموزش و پرورش ديگران مي پردازد.

این سخن حکیمانه، نشانگر این است که برای صلاح مردم، صدق عمل لازم است، نه زبان گویا و نه قلم شیرا، کودکان، از رفتار مربي، افهاف ميگيرند نه از گفتار او. بسيار متفلسفانه است اگر کسی نصيحت کند ولی عمل نکند. امام سجاد (ع) فرمود:

السناق ينيهي ولا ينتهي ويامر بما لا ياتي (مأخذ فوق) منافع کسی است که به آنچه ديگران را امر ونهي ميکند، پاييند نباشد.

برای اینکه دایره بهره گيري و استفاده

از الگوها را توسعه دهيم، بايد از تاريخ نيز استمداد کيم. بسيارند چهره های درخشان والگوهای فهيمان که معرفي آنها - چه از طريق کتاب و چه از راه فيلم والگوهای موجود به کودکان، مربي صالح را از تنهائي و عزالت بيرون مي کشد و او را در صفي عظيم از زبندگان و شايستگان دريدگاه، کودک، آشکار مي سازد. حتي آن کساي که از جمع جهات، الگو نيستند، ميتوانند در همان قسمتي که داراي امتياز هستند، الگو باشند و معرفي آنها به کودکان، از همين جهت مفيد خواهد بود.

برنامه ريزي براي مراحل مختلف

بايد توجه داشته باشيم که کودکي، تا جواني مراحل دارد و در هر کدام از مراحل، برنامه خاصي ميخواهد. هر مرحله اي نسبت به مرحله پيش حالت فعليت و نسبت به مرحله بعد حالت قوه و استعداد است بهمين جهت است که امام ششم عليه السلام فرمود:

«دع ابنك يعقب سبع سنين ويؤدب سبعاً» (سفينه بگذار تا فرزندت هفت سال از امانه بازی کند و در هفت سال ديگر بايد تربيت شود... و نيز فرمود:

الولد سيد، سبع سنين وعيد سبع سنين ووزير سبع سنين (مأخذ فوق)

فرزند در هفت سال اول در حکم سرور و در هفت سال دوم در حکم بنده و خدمتگزار و در هفت سال سوم در حکم وزير و مشاور پدران و مادران است. پيشرويان ديني با اينگونه راهنمائي ها، در حقيقت ميخواهند جزئيات و مصدايق يك قانون کلي را بيان کنند. ان قانون کلي عبارت است از اينکه، برای هر دوره اي از زندگي کودک

طفل را بايد ارشاد کيم که در برابر مقررات طبيعي و مملکتی و اخلاقی و دينی طغيان نکند...

- و انسان - برنامه خاصي لازم است. حتي قبل از آنکه نطفه طفل منعقد شود و در آن زماني که بصورت جنين، مراحل تکاملی خود را ميگذراند، بايد بفکر او بود و قتي از امام پنجم عليه السلام مي پرسند که آيا شخص مي تواند با زن زيباروي و ديوانه، ازدواج کند، پاناه؟ مي فرمايد: لا، ولكن ان كانت عنده امة مجتونه فلا بأس بان يطاعوا ولا يطلب ولدها (وسائل الشيعه ج ۵ ص ۱۱۰)

نه، ولي اگر داراي هسر مجتوني باشد، ميتواند با او در آميزش به شرطی که خواهان بارداری از او نباشد.

آنقدر دوره رحم از دیدگاه رهبران اسلام پراهميت است که گاه فرموده اند، خوشبختي و بدبختي طفل از رحم مادر شروع مي شود:

«اشقى شقى فی بطن امة والسعيد سعيد فی بطن امة» (بحار ج ۳ ص ۴۴)

رحم مادر، برای طفل محيط بدبختي و محظ خوشبختي است، بدبهي است که مادر سالم و معتدل، رحمش محيط سعادت طفل و مادر ناسالم و غير معتدل رحمش محيط بدبختي طفل است.

دوره شیرخوارگي نيز بسيار مهم است، شیرمادر، طبيعي ترين غذا برای نوزاد، غذائي است که خداوند برای خاطر او آفریده و چه بهتر که طفل از اين حق طبيعي و موهبت الهی بهره مند گردد؛ قرآن، اين مطلب را با بياني بسيار لطيف گوشزد کرده ميگويد:

الوالدات يرضعن اولادهن حولين كاملين (بقره ۲۳۳)

مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شير ميدهند.

قرآن با اين عبارات، هم وظائف مادري را گوشزد

کرده و هم نشان داده است که هيچکس حق اجبار و اکراه مادران را ندارد.

از نظر اسلام، نقش خانواده، بسيار مهم است. علي (ع) در فرمان مالک اشتر، توصيه مي کند که وي اطرافيان و مستولان پست های مهم مملکتی را از خانواده های خوب انتخاب کند، مخصوصاً برای بالا بردن اهميت تکليف سرپرستهای خانواده ها روي «بيوتات صالحه» تكيه مي نمايد.

در يكجاي ديگر نهج البلاغه، ميان خانواده بني هاشم و خانواده بني اميه مقايسه مي کند و نشان ميدهد که به همان اندازه که در خانواده بني هاشم، چهره های درخشان ربا عظمت وجود دارد، در خانواده بني اميه، چهره های منفور و ناپاب ديده ميشود.

اينها تصادفي نيست، الکسيس کارل فرانسوي هم آماري ميدهد از يك خانواده ای که اکثر افراد آن جاني و منقطع و معتاد و مدبره فاحشه خانه ... هستند.

تعديل تمايلات

هر بشري ميخواهد در ارضاء تمايلات خود آزاد باشد. کودکاني بيشتر طالب اين آزادي هستند، وظيفه مربي است که به او بفهماند که آزادي انسان حدودي دارد. ما نمیتوانيم در شرايط عادي خود را از قيد جاذبه زمين آزاد گردانيم، قوانين بهداشتی نميگذارد هر چه خواستيم بخوريم. مقررات مملکتی ما را محدود مي سازد، اين حدود و قيود را بايد پذيريم، سعادت مادران است که حدود اخلاقی و مذهبي را هم قبول کيم، طفل را بايد ارشاد کيم که در برابر مقررات طبيعي و مملکتی و اخلاقی و دينی طغيان نکند. هرانساني لطفاً بقره را در صفحه ۶۲ مطالعه فرمائيد

شیعیان، هر اهل تاریخی خود را همواره با جهاد و مبارزه طی کردند و در این مبارزات انواع آزارها و اذیت‌ها را به جان خریدند. گاهی شکست خوردند، و گاهی شکست دادند، ولی در هر حال آنان بیش از دیگران متحمل رنج و زحمت شدند...

مؤلف نیز در مقدمه کتاب چنین می‌نویسد:
«در جهان کنونی اسلام، میلیون‌ها نفر از شیعیان در نقاط مختلف جهان زندگی می‌کنند که در جهت تجدید عزت و عظمت اسلام و احیای تمدن اسلامی، نقش بارز و چشمگیری به‌شماره دارند. شیعیان در برتر دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تالیفات خود، در پیشرفت مکتب اسلام، سهم سازنده‌ای دارند. شیعیان همیشه «جهاد» را یکی از ارکان اسلام می‌دانند، منتهی جهاد همیشه با شمشیر و قدرت نظامی نیست، بلکه گاهی

بصورت جهاد با نفس و خودسازی و پاکسازی دل و جان، و در جهت پرورش مسلمانان نیرومندی است که عضو مفید و موثری در جهان اسلام باشند.

خوشوقتم که کتاب «جهادالتبعية» را به خوانندگان مسلمان تقدیم می‌کنم. این کتاب مجاهدات این گروه بزرگ اسلامی را از زمان پیامبر اسلام (ص) تا پایان دوره اول خلافت عباسی یعنی تا سال ۲۳۲ هجری مورد بررسی قرار می‌دهد.

خواننده آگاه بخوبی می‌داند که مشکل است مؤلفی بتواند تمام جوانب مبارزات شیعیان را در یک کتاب گرداورد، زیرا این مبارزات، در بستر تاریخ، طولانی، پر دامنه و گوناگون است ولی صفحات تاریخی درخشانی که از مبارزات شیعیان در این کتاب ترسیم کرده‌ام، روشنگر

نقش الگوهای تربیتی در اسلام

رفع تعیضات

آخرین تفسیر ما با الهام از مکتب زنده و جاویدان، رفع تعیض است، تعیض لازمه استبداد و مشگرگی است، در محیط دموکراسی و آزادی، همه باید مساوی باشند، البته مقصود تساوی ریاضی نیست که آن غیر معقول است، مقصود از تساوی رعایت امکانات و استعداد و نیازمندیهای است، هیچوقت به بچه دوساله به اندازه بچه ده ساله غذا نمی‌دهند و هیچوقت به شاگرد بسیار خوب به اندازه شاگرد بسیار بد نمره نمی‌دهند، ولی میشود میان بچه دوساله و ده ساله، از نظر عاطفی و محبت به تساوی عمل کرد مع الوصف همین رسم هم باید با رعایت حدود و شرایط و ضوابط باشد.

۱- قرآن کریم نیز با توجه به همین حکمت است که در ستایش اهل ایمان (۵۹/۵۵) در راه خدا جهاد مکنید و از سرزنش بیم ندارند.

که سردر اخور طبیعت و شهوت داشته باشد، به اینگونه هوسها گرفتار است، قرآن کریم می‌فرماید:

«هل یزید الا انسان لیفجر امامه (قیامه ۵) ولی انسانی که سراز اخور طبیعت در آورد و محیط خود را بنگردد و تاریخ گذشتگان را سیر کند و فلسفه پیدایش انسان را مورد دقت قرار دهد بی‌می‌برد که صلاح و سعادت انسانی در پیروی از هوسها نیست آن کار لذت‌آنی و زودگذر دارد، لذت طلبی مشروع غلط نیست، لذت‌های آنی و گذرا را هدف قرار دادن غلط است، تمایلات را نباید سرکوب کرد، باید آنها را تعدیل کرد، ارضاء منطقی و معقول تمایلات، نه تنها غلط نیست، لازمه زندگی و سلامت است، هر کس انسان را به سرکوبی یا تسلیم بی‌قید و شرط در برابر آنها فراخواند، دشمن انسان است. کودک را باید با این راه خوشبخت کنند، آشنا ساخت.